سيره رسول خداصلى الله عليه وآله‏درباره طبيعت، كشاورزى و محيط زيست‏

سيد على حسينى‏

مقدمه‏

براى آن كه سيره پيامبر خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - و اهميت گفته‏هاى آن حضرت را درباره كشاورزى طبيعت به درستى بشناسيم، مناسب است بيش از آن از شرايط و اوضاع و احوال و انديشه و اعمال مردم حجاز آن روزگار آگاه شويم. چه اين كه آشنايى با فضايى كه سخنان و اعمال رسول خدا - صلى الله عليه‏وآله - در آن فضا تحقق يافته است بر عمق شناخت و جامع بودن آن مى‏افزايد. بررسى جامع و دقيق كشاورزى در جاهليت فرصتى فراخ‏تر و تحقيقى گسترده مى‏طلبد كه اين مقاله آن را بر نمى‏تابد و در اين جا تنها به مهم‏ترين مشكلات كشاورزى آن روزگار مى‏پردازيم.

اعراب قبيله‏اى زندگى مى‏كردند و زندگى قبيله‏اى فرهنگى خاص داشت و خوى تجاوز، جنگ‏طلبى، تعصب و رقابت و دشمنى‏هاى ديرينه با ديگر قبيله‏ها از ويژگى‏هاى آن بود و اين موضوع‏ها تأثير فراوانى بر كشاورزى و دامدارى و حفظ مراتع و درختان در آن روزگار مى‏گذاشت، به دليل وجود دشمنى‏ها و جنگ‏هاى و يورش‏هاى بى رحمانه به قبيله‏ها و در نتيجه سوزانيدن مزرعه‏ها، پركردن چاه‏هاى آب، در انحصار قرار دادن آنها، نا امنى سرتاسر حجاز را فرا گرفته بود و مردمان همواره از آينده مزارع و دام‏هاى خود بيمناك بودند و هر از چندى شعله‏هاى سوزان آتش كينه، دشمنى‏هاى ريشه دار در قالب جنگ‏ها و يورش‏ها جلوه مى‏كردو كشتزارها و نخلستانها مى‏سوخت، دامها به يغما مى‏رفت و چاه‏ها و چشمه‏ها ويران مى‏شد از اين رو، ناامنى آفتى بود كه در هر حال مى‏توانست اميد كشاورزان را به يأس مبدل سازد و حاصل سال‏ها زحمت و رنج شان را بر باد دهد. از سويى، اعراب جاهلى از دانش كشاورزى آن روزگار آن گونه كه در ايران و امثال آن بود، بى‏بهره بودند و بر پايه خرافه‏ها و باورهاى بى اساس خود درباره درختان و گياهان عمل مى‏كردند. به عنوان نمونه، آنان به دليل ترس از برخى از درختان آنها را مى‏پرستيدند؛ چه آن كه آن درختان را كانون شر و بدى مى‏دانستند و براى رهايى از شر آنها راهى جز پرستش آنها فرا روى خود نمى‏ديدند.

به همين دليل بود كه دامدارى در حجاز رواج بيشترى داشت اما همچنان ناامنى و تجاوز به حقوق ديگران، فرهنگ قبيلگى و اعتقاد به خرافات در خصوص دام پزشكى و مسايلى از اين دست، به عنوان مانع‏هايى بود بر سر راه رشد و شكوفايى دام دارى. اين نابسامانى‏ها پيامدهاى ويران‏گرى بر زندگى مردم آن روزگار حجاز داشت كه مهم‏ترين آنها عبارت بود از: كمبود غذاى كافى و مناسب، اختلال در حمل ونقل، مسافرت‏ها و تجارت‏هاى بين شهرى، چه اين كه حمل و نقل و مسافرت‏هاى آن روزگار با حيواناتى از قبيل شتر، اسب، استر، و الاغ انجام مى‏شد، كه در مكه از اهميت ويژه‏اى برخوردار بود و نيز كمبود و گاهى عدم وجود مراتع مناسب و گسترش فقر و فساد و زورمدارى و بى‏بندوبارى از ديگر پيامدهاى اين وضعيت نامطلوب در كشاورزى و دامدارى بود.

شناخت عميق پيامبر خداصلى الله عليه وآله‏

رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - از همه مسايل ياد شده به گونه‏اى عميق و دقيق آگاه بود و علت‏ها و راه‏هاى حل مشكلات و پيش‏رفت كشاورزى را مى‏دانست. او در مكه از مادر متولد شده و در همان جا زيست و به دليل مسافرت به شام و معاشرت با مردم به خوبى درد و درمان را مى‏شناخت. او خود چوپانى و تجارت و كشاورزى كرده بود و تلخى مشكلات و مسايل ياد شده را چشيده بود. رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - با توجه به شناخت عميق خود و بر پايه روش خاص خود به ميدان آمد و اقدامات گسترده‏اى به عمل آورد كه به مهم‏ترين آنها اشاره مى‏شود:

گام نخست: فرهنگ سازى و انگيزه آفرينى

پيامبر اسلام - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - از سويى الگوى مسلمانان بود: «و لكم فى رسول الله اسوة حسنة» و آنان بر پايه آموزه‏هاى دينى مى‏بايد از او پيروى مى‏كردند: «و اطيعوا الله و اطيعوا الرسول»(1) از طرفى، گفته‏هاى آن حضرت وحيانى و الهى بود ومسلمانان مى‏بايد آنها را به جان مى‏خريدند و به عنوان قانون زندگى تلقى كرده و از آنها بهره مى‏بردند: «و ما ينطق عن الهوى ان هو الا وحى يوحى»(2) آن انسان يگانه بى نظير با سيره عملى و با گفته‏هاى خود با فرهنگ لبريز از جهل، خرافه، ستم به ستيز برخاست و فرهنگى نو و بر اساس علم و دانش، واقعيت و عدالت پديد آورد. اينك به نمونه هايى از آن اشاره مى‏شود:

چوپانى و كشاورزى و درختكارى‏

پيامبر خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - مدتى چوپانى كرد، در اين مدت هماره كوشيد به حقوق ديگران تجاوز نكند و با گوسفندان مهربان باشد، داستان چوپانى و شيوه برخورد آن حضرت با گوسفندان معروف است. از اين رو، به جزئيات آن اشاره نمى‏شود.

حضرت با دست خود درخت مى‏كاشت(3) و كشاورزى مى‏كرد.

در روايتى در اين باره آمده است:

«همه پيامبران خدا جز ادريس (كه خياط بود) كشاورز بوده‏اند.»(4)

در روايت ديگرى، از امام صادق - عليه السلام - چنين نقل كرده‏اند:

«خداى - عز و جل - از ميان كارها براى پيامبرانش - عليهم السلام - كشاورزى را دوست داشت و برگزيد.»(5)

امام موسى بن جعفر - عليه السلام - فرمود:

«آنان كه از من و پدرم بهتر بودند، در زمين كار مى‏كردند. پيامبر خدا، على، و همه پدرانم، - عليهم السلام - در زمين كار مى‏كردند و اين عمل پيامبران، رسولان، جانشينان آنان و بندگان شايسته خدا است.»(6)

بر پايه گروهى از روايات آن حضرت به طور مستقيم در درختكارى شركت مى‏جست. از امام صادق - عليه السلام - در اين باره چنين روايت كرده‏اند:

«اميرالمؤمنان، على - عليه السلام - بيل مى‏زد و زمين را آماده مى‏ساخت و رسول خدا - صلى الله عليه و آله - با آب دهان، دانه‏ها و هسته‏ها را مرطوب مى‏ساخت و در زمين مى‏كاشت... .»(7)

آن حضرت تماشاى گياهان سبز و خرم را بسيار دوست مى‏داشت(8) و از نگاه به سيب سرخ و ترنج سرسبز و خرم(به دليل زيبايى آن‏ها) شگفت زده مى‏شد.

امام على بن موسى الرضا - عليه السلام - در اين باره فرمودند:

«ان رسول الله كان يعجبه النظرة الى الأترج الاخضر و التفاح الأحمر.»(9)

حضرت خرما را بسيار دوست مى‏داشت، همواره از آن بهره مى‏برد. از امام على بن الحسين - عليهما السلام - نقل شده است كه همواره دوست داشت انسان خرمايى (خرما دوست) را ببيند، و اين بدين سبب بود كه پيامبر، خرما را دوست مى‏داشت.(10)

از اين رو، در روايتى ديگر آمده است:

«هر كس به اين نيت - كه چون پيامبر خرما دوست داشت، خرما بخورد - خرما هيچ ضررى به او نمى‏رساند.»(11)

از امام صادق - عليه السلام - نقل شده است:

«هيچ گاه غذايى همراه با خرما نزد پيامبر - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - آورده نمى‏شد مگر آن كه ابتدا از خرما ميل مى‏فرمود.»(12)

روايات به روشنى نشان مى‏دهد كه آن حضرت در ميدان عمل به كشاورزى اهميت خاصى مى‏داد و خود و نزديك‏ترين يارانش عملا مردمان را به آن تشويق مى‏كردند و اين روش و سيره در توجه دادن مردم به كشاورزى اهميت بسيار داشت.

پيامبر خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - به درستى معتقد بود كه انسانها محور اصلى توسعه و شكوفايى جامعه اسلامى و سرسبزى و رونق كشاورزى هستند و بهترين، كوتاه‏ترين و هموارترين راه براى شكوفايى كشاورزى و دامدارى و سرسبزى جامعه اسلامى آن است كه مردم از روى اعتقاد در اين مسير گام نهند و در پرتو تغييرات گسترده در انديشه و باورهاى مردم است كه مى‏توان به اين هدف دست يافت. سخنان آن حضرت درباره اهميت كشاورزى، درختكارى و دامدارى سبب شد كه بينش، انديشه و باورهاى مردم به طور گسترده در اين باره زير و رو شود، آنان به اهميت كشاورزى، درختكارى، سرسبزى و خرمى جامعه اسلامى و اصولاً ارزش بسيار درختان و فوايد و آثار مادى و معنوى آنها به طور عميق پى بردند و در نتيجه در پى سرسبزى، خرمى و رونق كشاورزى جامعه اسلامى برآمدند.

قطع درختان‏

رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - از قطع درختان، غرق كردن مزرعه‏ها در آب و سوختن آنها حتى در جنگ نهى مى‏كرد و اين عمل را در رديف كشتن كودكان بى گناه و زنان بى دفاع مى‏دانست.

از آن حضرت - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - در اين باره چنين نقل شده است:

«درختان را آتش مزنيد، آنها را با آب ويران نكنيد، درختان ميوه دار را قطع نكنيد و مزرعه‏ها را نسوزانيد.»(13)

بدين سان سيره رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - اين بود كه در جنگ‏ها به شدت از نابودى كشتزاران، نخلستان‏ها و باغ‏ها بپرهيزد و مجاهدان را از آن باز دارد و وقتى در زمان جنگ اين گونه باشد،در زمان صلح به گونه‏اى مؤكدتر و روشن‏تر بايد از درختان و مزرعه‏ها حفاظت شود و از نابودى آنها پرهيز.

آب و خاك‏

براى خاك ارزشى خاص قايل بود و قدر آن را بسى گران مى‏دانست تا آن جا كه بر خاك سجده مى‏كرد و آن را وسيله طهارت مى‏دانست. و مى‏فرمود:

«زمين را براى من هم سجده گاه و هم وسيله طهارت قرار داده‏اند؛ هر كجا باشم بر خاك آن تيمم مى‏كنم و نماز مى‏خوانم (سجده مى‏كنم).»(14)

آب را مايه حيات مى‏دانست و همانند خاك به آن اهميت مى‏داد درباره ابرها، بادها، باران‏ها، رودها درياها و اقيانوس‏ها، نوشيدن آب، تقسيم آبهاى كشاورزى، آبيارى و سهم عظيم آب در سبزى و خرمى و نشاط كره زمين سخن مى‏گفت و آن را مايه حيات مى‏دانست.(15)

«و جعلنا من الماء كل شى‏ء حى»(16)

«هر موجود زنده را از آب پديد آورديم.»

آگاه ساختن مردم از سودمندى‏هاى گياهان‏

مردم آن روزگار گرچه از گياهان استفاده‏هاى بسيار مى‏كردند اما از سودمندى‏هاى متعدد و متنوع آن آگاهى نداشتند. پيامبر خدا - صلى اللَّه عليه و آله - باقرائت و تفسير صدها آيه درباره طبيعت، كشاورزى و ابعاد مختلف آن مردم را از خواب غفلت بيدار ساخت. رسول خدا در پرتو اين آيات با عظمت قرآن به مردمان فهمانيد كه گياهان نعمت ناپيدا كرانه الهى هستند،(17) كه نه تنها بخش عظيمى از روزى آدمى را فراهم مى‏آورند بلكه بر روان او نيز تأثير فراوان دارد(18) و آيت و نشانه هستى و قدرت و حكمت خداى متعال و نيز دليل درستى معاد و رستاخيز بزرگ خدايند.پيامبر، در اين باره زواياى جديدى از دانش و فهم را به روى مردمان آن روزگار گشود، و اين نيز بر انگيزه مردم براى كاشت درختان و حفاظت بيشتر از آنها و كوشيدن در مسير كشاورزى و دامدارى افزود.(19)

كار و تلاش‏

رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - اهل كار و تلاش بود. سخت كوشى‏هاى او در ساختن مسجد مدينه،(20) كندن خندق براى دفاع از مدينه،(21) به هنگام چوپانى و در عرصه‏هاى مختلف ديگر ميان مورخان مشهور است.

از يكى از همسران ايشان نقل شده است كه در خانه هرگز بى كار ديده نشد(22) و مى‏فرمود بى كارى سنگ دلى مى‏آورد.(23) چون كارى مى‏كرد آن را درست انجام مى‏داد و مى‏فرمود:

«... اذا عمل احدكم عملا فليتقن.»(24)

«هر گاه يكى از شما كارى انجام مى‏دهد بايد آن را به درستى و نيكويى انجام دهد.»

آن حضرت هيچ گاه از سختى و رنج نمى‏گريخت و مى‏فرمود:

«أفضل الأعمال أحمزها.»

«بهترين و با فضيلت‏ترين كارها، سخت‏ترين آنها است.»

پيامبر خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - كه از غزوه تبوك باز مى‏گشت، سعد انصارى از حضرت استقبال كرد، پيامبر - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - پس از مصافحه با او فرمود: «چرا دستت اين قدر زبر شده است؟» او گفت: يا رسول الله! بيل مى‏زنم؛ و با اين كار خرج عائله‏ام را به دست مى‏آورم.

پيامبر خدا - صلى اللَّه عليه و آله - دست او را بوسيد و فرمود: «اين دستى است كه آتش دوزخ به او نمى‏رسد.»(25)

آن حضرت مى‏فرمود:

«كسى كه از تلاش و دسترنج خود بخورد، مثل برق از پل صراط خواهد گذشت.»(26)

بر طبق روايتى ديگر درهاى بهشت به روى او باز مى‏شود تا از هر كدام بخواهد وارد شود.(27)

در حديث ديگرى آمده است:

«خدا به او از سر مهربانى و رحمت نظر مى‏كند و هرگز او را عذاب نمى‏كند.»(28)

در پرتو كوشش‏هاى پيامبر در اين باره بود كه سخت كوشى و انجام درست و متقن كارها به صورت بخشى از فرهنگ مسلمانان در آمده بود و اين سيره رسول خدا در رشد كميت و كيفيت كشاورزى تأثير فراوانى گذاشت.

دين و دنيا

رسول خدا - صلوات الله عليه و آله - از كار، درختان، حيوانات، پرندگان، زمين، آسمان و... سخن مى‏گفت. اما او اين اعمال و وسايل را مانند بيشتر مردم تنها مادى و دنيايى نمى‏ديد. آن حضرت ديانت و شرع را در متن زندگى مردم قابل اجرا مى‏دانست. براى اين كه آدمى به خدا نزديك شود و بر معنويت خود بيفزايد، لازم نيست شبان و روزان به عبادت بپردازد بلكه اگر اعمال دنيايى خود را با سمت و سوى خدايى و با نيت الهى انجام دهد، به خدا نزديك خواهد شد و به مقام‏هاى معنوى دست خواهد يافت. به عنوان نمونه‏اى ديگر، در روايتى از آن حضرت درباره كشاورزى چنين نقل شده است:

«هرگاه كشاورزى بذرى را از راه حلال در دست خود گيرد، فرشته‏اى ندا دهد؛ يك سوم براى دهقان، يك سوم براى پرندگان و يك سوم براى چهارپايان. چون آن را بر زمين مى‏پاشد براى هر دانه بذر، ده حسنه برايش مى‏نويسند. چون آن را آبيارى مى‏كند و بذر مى‏رويد مانند آن است كه در برابر هر دانه، انسان مؤمنى را زنده كرده است كه تا زمانى كه آن كشته را درو كند، خدا را مى‏ستايد. چون آن را مى‏كوبد، مانند آن است كه گناهانش را له مى‏كند، هنگامى كه خرمن را باد مى‏دهد، گناهانش نيز بر باد مى‏روند، زمانى كه آن را وزن مى‏كند به سان روز تولدش از گناهان پاك مى‏شود. وقتى آن محصول را به خانه مى‏برد و نان خورهايش شاد مى‏شوند، عبادت چهل سال را براى او مى‏نويسند. هنگامى كه از آن به گرسنه، همسايه و بيچاره مى‏دهد. آفريدگار او را از عذاب خود در امان نگاه مى‏دارد.»(29)

بر پايه اين روايت و رواياتى از اين دست، كار، كشاورزى و... كه بر اساس ديدگاه عرف و مردم از امور دنيايى هستند جنبه دينى نيز پيدا مى‏كند و اجر و پاداش عبادت را دارد. از اين رو، مسلمانان افزون بر آن كه براى دستيابى به منافع اقتصادى خود به كشاورزى دست مى‏يازيدند، به دليل رسيدن به فضيلت‏ها و پاداش‏هاى معنوى نيز انگيزه دو چندان براى استقبال از آن و استقامت و پايدارى در انجام آن داشتند.

عدالت ورزى‏

آيات متعددى از قرآن كريم درباره عدالت است، پيامبر خدا - صلى اللَّه عليه و آله - بر پايه اين آيات از مسلمانان مى‏خواست در همه زمينه‏ها، در برخورد با همسران، فرزندان، خويشان و يكايك افراد جامعه عادلانه عمل كنند و خود حضرت الگوى يگانه و بى همتاى اجراى عدالت بود كه هرگز از آن روى بر نتافت.

خداى متعال در قرآن مى‏فرمايد:

«قل أمر ربى بالقسط»(30)

اى رسول ما! به مردم بگو خداى مرا فرمان داده است تا قسط و عدالت را بر پا كنيم.»

«و أمرت لاعدل بينكم»(31)

«به من امر شده است كه ميان شما به عدالت رفتار كنم.»

حضرت مى‏فرمود خداوند متعال به نه چيز مرا سفارش كرده است: ...اجراى عدالت در حال خشنودى يا خشمناكى. يكى از آنها است.(32)

آن حضرت در توصيف و ستايش على - عليه السلام - مى‏فرمود:

«انه... أعدلكم فى الرعية... .»(33)

«على - عليه السلام - در رفتار با مردم از همه شما عادل‏تر است.»

رابطه عدالت اجتماعى كه رسول خدا - صلى الله عليه و آله - الگو و پيشتاز آن بود و از جلوه‏ها و اركان سيره رسول خدا - صلى الله عليه و آله - است با پيشرفت كشاورزى در آن روزگار، روشن است؛ زيرا كسى كه از سر انصاف و بر اساس عدالت زندگى كند، بايد بكوشد و با استفاده از سرمايه‏هاى طبيعى و غير طبيعى كه مهم‏ترين آنها در آن روزگار «زمين و آب» بود - به عبارت ديگر از طريق كشاورزى - به روزى حلال دست يابد. چنين كسى نمى‏تواند با حمله به قبيله‏ها و به يغما بردن اموال آنان و تاراج ثروت‏هاى مردم و شبيخون زدن بر اين و آن و كاروان‏ها، سرمايه‏اى رقم زند و از آن بهره برد. به همان سان كه مجاز نيست به كارگران، بردگان و دهقانان خود ستم ورزد و حاصل رنج‏هاى آنان را سرمايه و مال خود سازد، بلكه بايد در پى كار مشروع و شغل حلال باشد كه در آن زمان كشاورزى و دامدارى در رأس آنها بود. در زمان جاهليت ستمگرى، زورمدارى، حمله و شبيخون به قبيله‏هاى رقيب و كاروان‏ها، ستم‏ها و اجحاف فراوان بر دهقانان، كارگران و بردگان از روش هايى بود كه ميان قبيله‏ها به فرهنگ تبديل شده بود و پيامدهاى اين روش زشت و اين فرهنگ سياه آن بود كه كشاورزى شكوفا نشود. درست به عكس عدالت كه زمينه اجتماعى رشد و بالندگى كشاورزى را فراهم مى‏آورد.

آبادانى زمين به عنوان وظيفه‏

پيامبر خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله عمران و آبادانى زمين را كه كشاورزى از مهم‏ترين عوامل آن به شمار مى‏رود، تنها به عنوان بر آورنده نيازهاى مادى و معنوى خود نمى‏دانست، بلكه به دليل فرمان خداوند متعال، آن حضرت همواره در پى آن بود كه شهرها و روستاها در قلمرو حكومت اسلامى، سرسبز و خرم باشد. از اين رو، همان طور كه نقل شد از هر گونه قطع درختان و كندن گياهان نهى مى‏كرد.

خداى متعال در قرآن مى‏فرمايد:

«هو أنشأكم من الأرض و استعمركم فيها»(34)

«او خدايى است كه شما را از زمين و خاك آفريد و براى آباد كردن زمين بر گماشت.»

بدين سان خداوند متعال از آدميان مى‏خواهد در پى آباد كردن زمين باشند و نه در پى سلطه بر زمين و زمينيان آن هم به هر قيمت و لو به قيمت تخريب منابع طبيعى و محيط زيست، آن گونه كه در روزگار ما روش سياستمداران كشورهاى استكبارى است.

در زمان حكومت جهانى حضرت ولى عصر، آن حضرت كه سيره‏اش مانند سيره رسول خدا صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - است اين راه و روش را احيا مى‏كند. بر طبق روايات در زمان آن حضرت جهان سرسبز و خرم مى‏گردد و كشاورزى و درخت كارى رونق خاص و گسترده‏اى مى‏يابد.(35)

پرهيز از اسراف‏

پيامبر خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - از هر گونه اسراف و تبذير در تمام عرصه‏هاى زندگى و در بهره ورى از همه چيز پرهيز مى‏كرد، به ويژه از اسراف در منابع طبيعى. به عنوان نمونه از اسراف در آب(36) دورى مى‏كرد و آن را حرام مى‏دانست، آن حضرت حتى از اسراف در آب(37) وضو و در آب غسل(38) به شدت نهى مى‏كرد و مى‏فرمود:

«در آينده گروهى از امت من خواهند آمد كه يك مُد آب را براى وضو و يك مَن را براى غسل كم مى‏شمارند، آنان بر خلاف سنت من عمل مى‏كنند.»(39)

رفتار پيامبر خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - درباره حيوانات، دامدارى، كشاورزى، قطع درختان، انواع ميوه‏ها و سبزى‏ها، درختكارى، كار و تلاش، آب و خاك، اسراف و قناعت و وسايلى از اين دست سبب شد مسلمانان درباره كشاورزى و طبيعت و محيط زيست داراى فرهنگ خاص و سازنده‏اى شوند، فرهنگى كه به زير بناى تمدن عظيم اسلامى درباره كشاورزى شد.

اما تنها سيره عملى آن حضرت سبب پديدار شدن اين فرهنگ شكوه و سازنده نشد بلكه بيانات آن حضرت نيز در اين باره سهم به سزايى داشت.

زمين و خاك

رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - فرمود: در شب معراج خداوند متعال به من چنين فرمود:

«زمين را براى تو و امت تو سجده گاه و پاك و پاك كننده قرار دادم.»(40)

حضرت در روايتى ديگر فرمودند:

«زمين با شما رام و مهربان است؛ بر آن تيمم مى‏كنيد در زمان حيات بر روى آن نماز مى‏خوانيد و پس از مرگ جسد شما در آن دفن و ضميمه آن مى‏شود و اين از نعمت‏هاى خداست - كه ستايش براى او است - پس بهترين چيزى كه بر آن سجده مى‏شود، زمين پاك است.»(41)

در روايتى ديگر از رسول خدا - صلى‏الله‏عليه‏وآله - چنين نقل شده است:

«بر زمين مسح و تيمم كنيد؛ زيرا زمين مادر و زادگاه شما و با شما مهربان است.»(42)

گام دوم: ايجاد امنيت از طريق قانون گذارى‏

دومين گام بسيار مهم رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - ايجاد قوانين مرتبط با حوزه كشاورزى بود. قوانينى كه از يك سو، امنيت را براى كشاورزان، دامداران، مرتع داران و باغ داران به ارمغان آورد و براى آنان آرامش و اطمينان به آينده و اعتماد به شغل خود پديد آورد و از سويى، سبب استقبال گسترده مردم از كشاورزى و دامدارى شد. همان طور كه پيش‏تر اشاره شد در سايه جنگ‏ها، شبيخون‏ها، اختلاف‏هاى مختلف و فراوان، عميق و با سابقه ميان قبيله‏ها رواج ستم و نبود عدالت و زورمدارى ميان سران قبيله‏ها و حكومت زور و زر بر مردمان، امنيت از كشاورزى، كشاورزان و دامداران سلب شده بود، آنان همواره از آينده چاه‏هاى آب، باغ‏ها، مزرعه‏ها، مرتع‏ها و دام‏هاى خود دل نگران بودند و نسبت به آينده شغلى خود مضطرب و نامطمئن.

پيامبر خدا - صلى الله عليه و آله - با ترويج عدالت و مخالفت شديد و مبارزه بى امان عليه ظلم و ستم، محترم شمردن مالكيت‏ها و ظلم دانستن هر گونه تجاوز به اموال و مزرعه‏هاى مردم و وضع قوانين متعدد و مختلف درباره زمين و آب، امنيت ماندگارى را براى كشاورزان و دامداران به ارمغان آورد كه به طور فشرده در اين بخش به آن اشاره مى‏شود.

1 - حقوق آب‏ها و مرتع‏ها

در آن روزگار كه چشمه‏ها و چاه‏ها در منطقه عربستان محدود بود، وقتى گروهى مى‏خواستند بخشى از مرتع‏ها و زمين‏ها را در انحصار خود در آورند و ديگران را از استفاده از آنها محروم سازند، چشمه‏ها و چاه‏هاى آن منطقه را كه اندك بود، در اختيار گرفته و نمى‏گذاشتند گوسفندان و ديگر چهارپايان آنان از آب آنها بنوشند. وقتى نوشيدن آب در اين منطقه براى چهارپايان ممكن نبود، طبعا نمى‏توانستند چهار پايان خود را در آن مرتع‏ها بچرانند؛ زيرا احشام پيش از علوفه و غذا به آب احتياج دارند. آنان با اين ترفند مرتع‏ها را به آسانى در اختيار و انحصار مى‏گرفتند؛(43) چه اين كه حفاظت از يك يا چند چاه آب چندان دشوار نبود؛ بر خلاف حفاظت از ده‏ها هكتار مرتع كه نيازمند به امكانات فراوان بود و مشكلات زيادى داشت. آن حضرت - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله با وضع قوانين و دستورهايى اين شكل را از ميان برداشت، به گونه‏اى كه عادلانه، هم صاحبان زمين‏هاى نزديك به آب و هم مالكان مزرعه‏ها و باغ‏هاى دور و دورتر هم بتوانند از آنها بهره برند.

در روايتى از آن حضرت اين گونه نقل شده است:

«امام صادق - عليه السلام - فرمود: جدم رسول خدا - صلى الله عليه و آله - منع فرمود كه مازاد آب سد و حق آبه رودخانه رابفروشند.»

آن حضرت فرمود:

«كسى كه در برابر سيلاب و يا رودخانه سدى ايجاد كند تا بهتر بتواند كشت و درختان خود را آبيارى كند، بعد از آبيارى نمى‏تواند مازاد آن را بفروشد، فقط مى‏تواند به همسايه خود عاريه دهد تا در نوبت‏هاى بعدى پس بگيرد.»(44)

امام صادق - عليه السلام - فرمودند:

«جدم رسول خدا - صلى الله عليه و آله - مقرر فرمود از سيلاب وادى مهزور به اين صورت بهره بردارى شود: كشاورزى كه در بالاى دره قرار دارد جلو آب را سد كند و آب را بر پاى نخل‏هاى خود هدايت كند و تأمل كند تا ارتفاع آب در كرت‏ها به استخوان غوزك پا برسد و اگر زراعت زمينى دارد آب را بر روى زراعت روان دارد و صبر كند تا ارتفاع آب به روى غوزك پا برسد. پس از آن آب بند و سد را باز كند تا آب سيلاب به باغ‏ها و مزارع بعدى برسد.»(45)

امام صادق - عليه السلام - در جاى ديگر چنين فرمود:

«قضاوت رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - ميان اهل مدينه درباره آبهايى كه با آن درختان خرما را آبيارى مى‏كردند چنين بود كه نبايد مردم از استفاده از آب چاه‏ها محروم و ممنوع شوند؛ و ميان اعراب باديه‏نشين چنين قضاوت فرمود كه نبايد جلو استفاده مردم از اضافه آب چاه را گرفت تا در نتيجه نتوانند ازمرتع‏ها بهره برند و فرمود(در اسلام) ضرر و ضررزدن به ديگران جايز نيست.»(46)

از اين حديث استفاده مى‏شود كه گروهى از مردمان مدينه از استفاده ديگران از چاه‏هاى آب براى آبيارى نخل‏ها جلوگيرى مى‏كردند، رسول خدا به طور قاطع در برابر آنان ايستاد و آن را ممنوع اعلام كرد. آن حضرت حكم كرد كه صاحبان چاه‏ها و چشمه‏ها پس از آن كه به مقدار نياز خود از آن استفاده كردند، حق ندارند جلوى استفاده دام‏ها را از آب مازاد بر نياز خود، بگيرند تا در نتيجه چون دام‏ها آب براى خوردن در آن منطقه ندارند از مراتع آن منطقه نيز محروم شوند.

نكته بسيار مهم در پايان اين روايت است كه حضرت رسول - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - به علت اين حكم خود اشاره مى‏فرمايند كه در اسلام ضرر زدن به خود و ديگران جايز نيست و جلوگيرى از نوشيدن دام‏ها از آب چاه‏ها نوعى زيان رسانى به آنها و صاحبان آنها به شمار مى‏آيد. بدين سان، پيامبر خدا طى اين حكم جلوى محروم كردن مردم را از آب چاه‏ها و از مرتع‏ها گرفت.

در حديث ديگرى آن حضرت فرمود:

«كسى كه مانع استفاده از آب‏هاى جارى و روان شود، ملعون است.»(47)

نيز آن حضرت فرمود:

«مسلمانان در سه چيز مشترك اند، آب، مرتع و آتش.»(48)

مشكل ديگر درباره آب‏ها آن بود كه روستاهاى واقع در بالا دست و نزديك منطقه محل جريان و سرچشمه آب مى‏توانستند جلوى جريان آب را به مزرعه‏ها و نخلستان‏هاى پايين دست بگيرند و از رسيدن آب به مزارع و باغ‏ها و نخلستان‏هاى آنها جلوگيرى كنند. بدين‏سان حضرت به آن دسته از مردم كه در پى به دست گرفتن انحصار زمين‏هاى مرغوب و يا زمين‏هاى منطقه‏اى خاص و يا آب‏ها و مرتع‏ها بودند، اعلام داشت كه بر پايه قانون اسلام مجاز نيستند به اين عمل دست زنند و بايد اين انديشه و روش را از خود دور كنند و همان طور كه خواهد آمد زمين از آن كسى است كه آن را احيا كند.

در روايتى ديگر اين مسأله به صورت قانونى كلى از سوى آن حضرت بيان شده است.

امام صادق - عليه السلام - فرمود:

«جدم رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - درباره آبيارى نخلستان‏ها با سيلاب مقرر فرمود كه نخست نخلستانهاى بالادست، قبل از نخلستان‏هاى پايين دست آبيارى شوند، به گونه‏اى كه آب به اندازه غوزك پا در آنها جمع شود. آن گاه آب به زمين‏هاى پايين هدايت شود و اين روش همچنان ادامه مى‏يابد تا آبيارى باغ‏ها و نخلستانها به فرجام برسد و آب تمام شود.»(49)

از اين روايت‏ها و روايت‏هاى مشابه نكته‏هاى مختلفى به دست مى‏آيد:

1 - مقصود از سيلاب، آب‏هاى باران و خدادادى است در مقابل آبهايى كه مالك خاص دارد و نه سيلاب به معناى عاميانه آن. حضرت - صلى‏الله‏عليه وآله - مى‏فرمود اين آب در انحصار گروهى خاص نيست.

2 - همان طور كه در روايات خوانديم اين آب در انحصار گروهى خاص نيست و همه صاحبان باغ‏ها و مزرعه‏ها مى‏توانند از آن استفاده كنند.

3 - در شيوه آبيارى و تقسيم آب - كه بسيار اهميت دارد رسول خدا - صلى‏الله‏عليه‏وآله - مقرر فرمود به ترتيب از زمين‏هاى بالا به سمت پايين آبيارى شروع شود. به نظر مى‏رسد اين بهترين شيوه تقسيم براى صرفه جويى از آب و بهينه‏ترين بهره‏بردارى از آب در مناطق مشابه است؛ چه اين كه در اين روش افزون بر اين كه همه زمين‏ها سيراب مى‏شوند، هم نيروى انسانى كم‏ترى براى تقسيم آب مورد نياز است و هم نزاع و اختلاف پيش نمى‏آيد.

4 - صاحبان زمين‏ها و باغ‏هاى بالادست مجاز نيستند هر مقدار كه بخواهند از آب استفاده كنند؛ بلكه تنها حق دارند به مقدار معقول، يعنى اندازه‏اى كه نياز درختان و مزرعه‏هاى آنها را بر آورده كند، از آن آب‏ها استفاده كنند، به همان سان كه آنان نمى‏توانند اين آب را به روستاها و مالكان زمين‏هاى ميان دست و پايين دست بفروشند و يا به هر شكل آنان را از اين آب محروم سازند. به عنوان نمونه، هر گاه مشاجره‏اى و نزاعى ميان دو روستا واقع شد، جلوى آب را بگيرند. بدين سان بود كه صاحبان مزرعه‏ها و زمين‏هاى پايين دست از امنيت برخوردار شدند.

5 - همان طور كه در اين روايات خوانديم فروختن آب‏هاى رودخانه‏ها و آب‏هاى خدادادى جايز نيست و نيز فروش مرتع‏هاى عمومى، اما هر گاه كسى از طريق مشروع مالك آب و مرتع شده باشد، فروش آن جايز است و مى‏تواند آب يا مرتع خصوصى خود را كه به طور قانونى فرا چنگ آورده بفروشد و يا اجازه دهد.(50) مانند آبى كه آن را حيازت كرده باشد يا آب چاهى كه آن را حفر كرده باشد صد البته در چهارچوب احكام شرعى.

6 - درباره مالكيت آب و مراتع و آبيارى احكام فقهى مختلف و بسيار دقيقى وجود دارد كه اين مقاله در پى تبيين دقيق آنها نيست و خوانندگان ارجمند به منابع فقهى مراجعه كنند. افزون بر آن چه آورده شد پيامبر خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - مسايل بسيار مهم حقوقى زمين و آب را براى مردم، به عنوان حكم شرع، بيان فرمود كه فهرست آنها به قرار زير است:

يك: حريم قنات‏ها، چاه‏ها و چشمه‏ها، آن حضرت با تبيين دقيق حريم قنات‏ها، چاه‏ها، و چشمه‏ها از خشكانيدن چاه‏هاى ديگران جلوگيرى كرد،(51) و اجازه نداد كسى با حفر چاه يا قنات در حريم منابع آبى ديگران به آنان ضرر برساند.(52) حتى رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - حريم درختان را با دقت بيان فرمود؛

دو: نهى شد از سوزاندن، غرق كردن و از بين بردن مزرعه‏ها و درختان حتى در حال جنگ؛(53)

سه: احكام فقهى خريد و فروش زمين، آب، انواع محصولات كشاورزى كه فقه اسلامى به ويژه فقه شيعه در اين باره از محتواى بسيار غنى برخوردار است(54) و اين نكته نيز از اهميت ويژه‏اى برخوردار است؛

چهار: احكام فقهى اجاره زمين، كه روايات فراوانى در اين باره از آن حضرت رسيده است؛(55)

پنج: احكام مزارعه؛ مزارعه به معناى آن است كه مالك زمين آن را به دهقانى واگذارد تا او در آن زمين كشت كرده و محصول طبق توافق طرفين ميان آنها تقسيم شود.(56) اين مسأله بسيار مهم است، چه اين كه حق دهقان و مالك زمين در مكتب‏هاى مختلف مورد توجه قرار گرفته است؛

شش: احكام مساقات؛ مساقات به اين معناست كه شخصى اداره و آبيارى درختان و باغ خود را به ديگرى واگذارد و در مقابل بخشى از محصول آن را - طبق توافق طرفين - به او واگذارد؛(57)

هفت: احكام فقهى زمين غصب شده و كسى كه در زمين ديگران درختى بنشاند و يا كشاورزى كند؛(58)

هشت: احكام احياى زمين‏هاى موات و مقررات مرتبط به آن و شرايط آن؛(59)

نه: مسايل مرتبط به انفال(60) و احكم فقهى آنها و نيز مباحات عامه و مشتركات.(61)

به عنوان نمونه برخى از احاديث رسيده از رسول اخدا - صلى‏اللَّه عليه و آله - درباره گروهى از مسايل ياد شده (احياى موات) در اين بخش نقل مى‏شود.

امام صادق - عليه السلام - فرمود:

«جدم، رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - معاوضه و معامله خرماى سر درختى با خرماى خشك و خوشه درو نشده را با گندم ممنوع ساخت و نيز منع فرمود كه حق آبه و آب‏هاى روان رودخانه را به ديگران بفروشند. فقط حق دارند به ديگران تفويض كنند و همچنين مازاد آبى كه سد بسته‏اند فقط مى‏توانند به همسايگان خود عاريه دهند.»(62)

همان طور كه اشاره شد آن حضرت حتى مسايل ريز را در اين باره تبيين مى‏فرمود.

از امام صادق - عليه السلام - در اين باره چنين نقل شده است.

«بايد ميان دو چاه آب در زمين سخت، پانصد ذراع (260 متر) فاصله باشد و در زمين سست هزار ذراع.»

امام صادق - عليه السلام - فرمود:

«شخصى قناتى در كوهستان حفر كرده بود كه يك سال تمام آب آن يك سان برقرار بود. شخص ديگرى در همان كوهستان و در كنار او قنات ديگرى حفر كرد. ميان اين دو تن نزاع در گرفت كه اين قنات به قنات ديگرى خسارت زده است. جدم رسول خدا - صلى‏اللَّه عليه و آله - فرمود: بايد هر شب به يك قنات بروند و اندازه بگيرند تا معلوم شود آب كدام يك از دو قنات كم مى‏شود. اگر قنات دومى آب قنات اول را بكشد، بايد آن را پر كند و اگر قنات اولى آب قنات دوم را بكشد، صاحب دومين قنات حقى بر صاحب قنات اول نخواهد داشت.»(63)

بر طبق روايتى ديگر امام صادق - عليه السلام - فرمود:

«مردم مدينه باغ‏ها و نخلستان‏هاى خود را مى‏فروختند و يك يا دو درخت آن را براى مصارف شخصى استثنا مى‏كردند. چون هنگام برداشت محصول ميان صاحب باغ و صاحب درخت نزاع و مشاجره مى‏شد، جدم رسول خدا - صلوات الله عليه وآله - حكم فرمود كه هر درختى به اندازه شاخه‏هاى آن حريم حقوقى دارد و صاحب درخت حق دارد به همين مقدار از سطح زمين و فضاى زير درخت استفاده كند.»(64)

بر طبق روايتى ديگر، رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - فرمود:

«حريم نخل به اندازه طول شاخه‏هاى آن است.»(65)

در برخى از اين روايات پس از آن كه پيامبر خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - حريم قنات، چاه و يا نخل و ديگر مسايل مرتبط به آنها را بيان فرموده‏اند، در پايان اشاره كرده‏اند كه در اسلام ضرر وجود ندارد(66) و نبايد به ديگران ضرر زد و از نفع رساندن به يكديگر امتناع نورزيد.(67)

همه مى‏دانيم كه نبايد به ديگران ضرر زد و بايد هماره از تجاوز به حقوق ديگران پرهيز كرد و در استوارى عدالت كوشيد. اين شعار كلى است كه تا مصداق‏هاى آن شخص نشود، در عمل چندان تأثيرى ندارد، چرا كه بسيارى از ظالمان همواره زير چتر عدالت جويى ستم كرده پا روى حقوق ديگران گذاشته‏اند. همان طور كه اشاره شد پيامبر خدا - صلى الله عليه وآله - همواره فرياد عدالت خواهى داد و آيات عدالت را بر مردمان مى‏خواند و با تعبيرى رسا و زيبا از عظمت ستم ستيزى سخن مى‏گفت، اما آن حضرت هرگز به اين گفته‏ها بسنده نكرد و در عرصه عملى در حوزه حقوق مردم در مزرعه‏ها، باغها، نخلستان‏ها و آب‏ها مصداق‏هاى عدالت را مشخص كرد و آن را از مرحله گفته و شعار به مرحله اجرا و عمل وارد ساخت. رسول خدا - صلى الله عليه و آله - در اين باره بسى شفاف و دقيق احكام الهى را كه به طور كامل عادلانه بود، و حقوق همه اقشار را تأمين مى‏كرد، بيان كرد و خود بر طبق آنها ميان مردم حكم مى‏كرد و در پرتو اين قضاوت‏ها و دستورهاى دادگرانه بود كه عدالت را در عرصه مسايل زمين، آب و كشاورزى گسترانيد و استوار ساخت.

آب و زمين

احياى موات‏

همان طور كه اشاره شد رسول خدا - صلى الله عليه و آله - با سرزمين سوخته و كشاورزى و دام دارى نابسامانى مواجه بود. از سويى به هم ريختگى و بى‏نظمى و نبود سياست روشن و سودمندى در اين باره، و از سويى، ابهامات گسترده در حقوق آب و زمين كه دستمايه اصلى كشاورزان است افزون بر ديگر مشكلات كه گروهى از آنها گفته آمد، كشاورزى و دام دارى را تا مرحله از هم پاشيدگى پيش برده بود. پيامبر خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - در آن شرايط خاص اعلام فرمود هر كس زمينى از زمين‏هاى باير و موات را آباد كند از آن او خواهد بود.

امام باقر و امام صادق - عليهما السلام - فرمودند: «رسول خدا - صلوات الله عليه و آله - فرمودند:

«من أحيا ارضا مواتا فهى له.»(68)

«هر كس زمين مرده را آباد كند صاحب زمين خواهد بود.»

آن حضرت فرمود:

«هر كس درختى بنشاند يا پيش از ديگران، زمينى را حفر كند (چاه آب يا قناتى حفر كند) يا زمين مرده را آباد كند، پس به حكم خداوند عزوجل و رسولش - صلى الله عليه و آله - اين درخت، چاه، و زمين از آن او خواهد بود.»(69)

اين حكم مرهمى بود شفابخش كه بر زخم كهنه كشاورزى آن روزگار گذاشته شد، و بارقه اميد در چشمان كشاورزان درخشيد. در آن روزگار كه حفرقنات، كندن چاه، آباد كردن زمين و آن را به مرحله محصول دهى رسانيدن كار بسيار دشوارى بود، ولى نتيجه فهم و سازنده‏اى براى صاحبان آنها داشت.

زمين‏هاى اطراف مدينه و ديگر شهرهاى حجاز و جامعه اسلامى فراوان بود و رغبت و انگيزه براى انجام اين كار بزرگ، كم بود؛ زيرا تضمينى براى حفظ و عدم تخريب آن وجود نداشت؛ پيامبر خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - با اعلام قاطع مالكيت براى احيا كنندگان و مقدس ساختن آن در پرتو قاعده پيوند دين و دنيا و ايجاد فرهنگ سازى براى كشاورزان و كشاورزى در اعماق جان مسلمانان انگيزه‏هاى بسيار نيرومند و همت‏هاى والايى در اين باره آفريد، چه اين كه ارزش و فضيلت كشاورزى را به آنان فهمانيد. بدين سان زمين‏ها را به كسانى كه در پى آبادانى آنها بودند، واگذار مى‏كرد و از طرفى، از دست نااهلان باز مى‏ستاند.

نيز به كسى اجازه نمى‏داد زمين‏ها را غرق كند و ديگران را از بهره‏ورى از آنها محروم گرداند. اينها سبب شد امنيت سنگينى بر سر مسأله زمين و قوانين آن سايه افكند و در سايه آرامش آفرين اين امنيت شغلى و مالى بود كه مردمان بسيارى به كشاورزى روى آوردند. در موازات همين مسأله رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - مسايل آب را نيز حل كرد، بدين سان كه زمينه استفاده از آب‏هاى عمومى را براى همگان فراهم ساخت و آب‏هاى عمومى را تعريف كرد و چگونگى تقسيم و توزيع آنها را معلوم ساخت و از ملكيت مشروع مالكان چاه‏ها به طور قاطع حمايت كرد.

در واقع، تعيين روشن احكام فقهى و حقوقى آب و زمين زمينه را براى رشد شتابان و شكوفايى گسترده كشاورزى و باغ دارى در جامعه اسلامى فراهم ساخت.

گام سوم: اجرا، پى‏گيرى، و استقامت‏

بى شك قانون خوب و عادلانه شرط توسعه و پيش رفت است، اما شرط لازم است و نه شرط كافى. قانون براى عمل است و خود به تنهايى تاثيرى ندارد. در بسيارى از كشورها در روزگار ما قانون‏هاى خوبى وجود دارد اما به آن عمل نمى‏شود و در نتيجه از آزادى، عدالت و پيش رفت فقط اسمى مانده، همان طور كه اعتقاد به اسلام و افتخار به قرآن و رسول خدا و اميرمؤمنان - عليهما السلام - گر چه بسيار خوب است اما وقتى جامعه اسلامى مى‏تواند سربرافرازد و به قله فلاح و سعادت صعود كند كه قرآن را كتاب زندگى و رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - را الگوى خود قرار دهد، و رمز و راز عقب ماندگى كشورهاى اسلامى را در روزگار ما در اين نكته مهم بايد جست‏وجو كرد.

مسلمانان در روزگار ما جز اندكى از آنان عملا قرآن را مهجور كرده(70) و به آن پشت كرده‏اند، و سنت رسول خدا را جز در بخشى از زندگى خود وارد نكرده‏اند. مقصود آن نيست كه همه مسلمانان اين گونه‏اند، بلكه جامعه‏هاى اسلامى رنگ و رو و سمت و سوى قرآنى و نبوى ندارند. پيامبر خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - به شدت و با دقت به قوانين وضع شده خود پاى بند بود. آن يگانه روزگار و سرور پيامبران همه توان خود را در مسير اجراى اين دستورها و قوانين مصروف داشت؛ خود نخستين، بهترين و دقيق‏ترين كسى بود كه به قانون‏هاى مرتبط به زمين، آب و مراتع و دام عمل مى‏كرد، با دست خود درخت مى‏كاشت، در جنگ‏ها - جز در موارد ضرورى كه قانون اجازه داده است - از قطع درختان، به آتش كشيدن مزرعه‏ها و غرق كردن نخلستان‏ها امتناع مى‏ورزيد و خلاصه خود كشاورزى مى‏كرد و مى‏فرمود همه پيامبران جز ادريس - كشاورز بوده‏اند.

بر پايه برخى از روايات، پيامبر خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - كه مى‏فرمود: «هر كسى زمينى را آباد كند، صاحب آن خواهد شد»، جلوى برخى واگذارى‏هاى زمين را گرفت و تنها زمين هايى را كه به اهلش واگذار شده بود،(71) پس نگرفت. پس از جنگ خيبر، براى اين كه زمين‏هاى خيبر آباد يا آبادتر شود، زمين‏ها را به اهل خيبر واگذاشت تا در آنها كار كنند و آنها را آباد كنند و ماليات و اجاره آن را به حكومت اسلامى بپردازند.(72) همواره در زندگى شخصى خود با استفاده از راه‏هاى مختلف مى‏كوشيد ارزش كشاورزى را بنماياند. وقتى سؤال مى‏شد كدام مال، بهترين مال است براى صدقه دادن. پاسخ داد: «محصولات كشاورزى و گوسفند»(73) و نيز در پاسخ به اين پرسش كه بهترين ثروت جيست؟ فرمود: «بهترين ثروت كشاورزى است اگر به طور صحيح و اصلاح شده انجام گيرد و زكات آن داده شود. و در مرحله بعد به دامدارى اشاره فرمود و آن را پس از كشاورزى بهترين كار دانست و در مرتبه سوم فرمود: درختان استوار و بلند خرما كه در گل مى‏رويند و درختانى كه در بيابان‏هاى خشك و تفتيده ميوه مى‏دهند. و در پايان دوباره به درخت خرما اشاره كرد و از فروختن آن نهى فرمود.»(74)

بر طبق روايتى ديگر فرمود:

«بهترين مال دسته‏هاى طولانى، شكيل و منظم خرما و درختان ميوه دار است.»(75)

بدين سان، آن حضرت بسيار از فضيلت كشاورزان و كشاورزى، درخت كارى سخن مى‏گفت، و اين مسأله را به روش‏هاى مختلف در ذهن‏هاى مسلمانان تثبت مى‏كرد. به گونه‏اى كه ارزش كشاورزى براى آنان به صورت فرهنگ در آورد. به عنوان نمونه، آن حضرت خود خرما كاشت، از ارزش اقتصادى درختان خرما - طبق همين روايات - با تعبيرهاى خاص ياد مى‏كرد، خرما بسيار مى‏خورد و از سودمندى‏هاى آن سخن مى‏گفت. آن حضرت از درخت خرما با عنوان «عمه» ياد مى‏كرد(76) به هماهنگى شگفت آور خرما با بدن آدمى اشاره مى‏كرد و مى‏فرمود:

«نخل از گِل آدم - عليه السلام - خلق شده است.»(77)

درخت خرما را از ميان درختان به مردان مؤمن تشبيه مى‏كرد.(78) هرگاه براى حضرت خوراكى مى‏آوردند كه خرما نيز با آن بود، در آغاز از خرما ميل مى‏كرد.(79)

به طور خلاصه پى‏گيرهاى رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - براى اجراى سياست‏هاى فرهنگى، علمى، بازرگانى - كه در اين مقاله به دليل فشردگى آن مورد بحث قرار نگرفت - اقتصادى مستمر، با جديت و قاطعيت بود. و اين گام؛ يعنى اجراى مداوم و بى وقفه سياست‏ها، دستورالعمل‏ها و قوانين مربوط به كشاورزى در ايجاد مختلف آثار و بركات فراوانى براى جامعه اسلامى است.

گام چهارم: آموزش و توسعه دانش كشاورزى‏

قرآن كريم در چند آيه، پيامبر خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - را اين گونه پيامبرى مى‏داند كه از ميان مردم برخواست و كتاب خدا و حكمت را به آنان آموخت:

«هو الذى بعث فى الاميين رسولا منهم يتلوا عليهم آياته و يزكيهم و يعلمهم الكتاب و الحكمة و ان كانوا من قبل لفى ضلال مبين»(80)

«آن خداى كسى است كه در ميان آن درس ناخواندگان فرستاده‏اى از ايشان برانگيخت تا آيات او را براى آنان بخواند و آنان را پاكيزه سازد و به آنان كتاب و حكمت را آموزد. هر چند پيش از آن در گمراهى آشكار بودند.»

در ده‏ها آيه از آيات قرآن از ارزش دانش، علم، تفكر، تأمل و عناوينى از اين قبيل سخن به ميان آمده است، از نگاه آياتى كه پيامبر خدا - صلى اللَّه عليه و آله - بر مردمان مى‏خواند «هرگز دانشوران و جاهلان برابر نيستند»(81) در واقع، جاهلان كورانى(82) هستند كه نمى‏توانند در مسير زندگى راه را از چاه بشناسند. از اين رو، هماره در معرض سقوط و لغزش گام بر مى‏دارند.

به عبارت ديگر دانش همانند نور(83) است كه پرتو مى‏افكند و مسير زندگى آدمى را روشن مى‏كند و از حكمت و دانش است كه خير و بركت فراوان برمى‏خيزد و كسى كه از دانش، بينش و حكمت برخوردار نيست، نمى‏تواند به خير و سعادت نايل آيد.(84)

به طور خلاصه، آموزش دين، دانش و حكمت در متن تعاليم رسول خدا - صلى الله عليه و آله - قرار داشته است و احكام مرتبط به آب، زمين، درختان، دامدارى و دامداران و كشاورزان در زمره اين تعاليم است. ده‏ها روايت رسيده از آن حضرت بيانگر اين واقعيت است كه رسول اعظم اسلام - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - در اين باره بسيار كوشيد و كوشش هايش در حوزه آموزش تاثير فراوان داشته كه اين موضوع به نوبه خود شايسته تحقيق مستقل است و در اين مقاله به همين اندازه در اين باره بسنده مى‏شود.

گام پنجم: به سوى اجراى عدالت

ابر و باد و مه و خورشيد و فلك بايد در كار آيند تا ابرها بر فراز آسمان به حركت در آيند و باران، اين رحمت الهى بر زمين فرو ريزد و زمين آماده براى كاشت گياهان و درختان شود و علوفه‏ها از آن سر برافرازند و از سويى، غذاى دام‏ها فراهم آيد و از طرفى، آب‏ها در منابع زيرزمينى ذخيره شود و اين آب و خاك و روييدنى‏ها سرمايه عظيمى هستند كه خداوند متعال از سر لطف در اختيار آدمى نهاده است. اين سرمايه از آن همه مردمان است و همگان در آن شريك‏اند:

«وَ الارضَ وضعها للانام فيها فاكهةٌ وَ النخلُ ذاتُ الاكمامِ وَ الحَبُّ ذُو العَصفِ وَ الريحان فَبِأىِّ آلاء رَبّكُما تُكَذّبانِ»(85)

بر طبق اين آيه، اين نعمت بزرگ الهى براى مردمان است و اگر گروهى خاص از اين نعمت بى همتاى الهى بهره‏مند شوند و ديگران از آن محروم باشند، عدالت، به ويژه عدالت اقتصادى كه از اهداف مهم بعثت انبيا به ويژه رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - و حكومت نبوى بود، در اين باره به درستى اجرا نشده است. عدالت وقتى به منصه ظهور مى‏رسد كه زمين داران، دامداران و كشاورزان سهمى از محصول‏هاى خود را براى فقيران و حكومت اسلامى كنار نهند. اين سهم در فقه اسلامى در قالب خمس و زكات مطرح شده است. بى شك سود كشاورزان از محصول‏هاى مختلف يكسان نيست، چگونگى به دست آوردن آب براى كشاورزى، و كاشت و برداشت دام‏ها و چرانيدن و علوفه دادن دام‏ها يكسان نيست و گاه تفاوت آنها بسيار فاحش و بزرگ است و عدالت ايجاب مى‏كند كه زكات آنها نيز متفاوت باشد و اين موضوع نيز در خود پژوهشى مستقل است كه در اين فشرده نمى‏گنجد.

به طور كلى، اجراى عدالت درباره آنان كه از منابع طبيعى زمين، آب، مرتع، جنگل‏ها درست استفاده مى‏كنند، اهميت به سزايى دارد و از بررسى آيات و روايات رسيده از آن حضرت و مطالعه در تاريخ و سيره رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - در اين باره نكته‏هاى زير استفاده مى‏شود:

يك: دامداران و كشاورزان و زمين داران بايد افزون بر پرداخت خمس، زكات پرداخت كنند و زكات تعلق گرفته به انواع دام و محصولات كشاورزى مختلف است؛

دو: هرگونه، اسراف در بهره‏ورى و استفاده از محصول‏هاى كشاورزى حرام و ممنوع است.پس از آن كه خمس و زكات محصول‏هاى كشاورزى داده شد، اين روزى حلال بايد به جا و در چهارچوب احكام شرعى مصرف شود و هرگونه اسراف جايز نيست؛

سه: گرچه مالك باغ و درخت حق تصرف در اموال خود را دارد، اما كندن و بريدن و از بين بردن درختان در هر شرايطى جايز نيست؛ چه اين كه از روايات استفاده مى‏شود كه آن حضرت بر پايه گروهى از اخبار از قطع درختان مدينه به شدت نهى كرد؛

چهار: عدالت ايجاب مى‏كند با صرف نظر از منازعه‏ها و جنگ‏ها درختان و باغ‏ها و كشتزارها سالم و محفوظ بماند. آن حضرت - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - از هرگونه سوزانيدن غرق كردن و از بين بردن درختان، نخلستان و كشتزارها حتى در جنگ‏ها به شدت نهى مى‏كرد؛

پنج: كسانى كه در زمين ديگران كار مى‏كنند، چه آبيارى و مراقبت از باغ‏ها و چه كشاورزى - چه در قالب عقد مزارعه و چه عقد مساقات - نيز حقى دارند كه بايد به حقوقشان دست يابند؛(86)

شش: هرگونه تجاوز به چاه‏ها، نهرها، زمين، باغ و محصول‏هاى كشاورزى ديگران ظلم محسوب مى‏شود و در فقه اسلامى مجازات‏هاى تعريف شده‏اى دارد؛(87)

هفت: تقسيم آب‏ها، قانون خاص خود را دارد و بايد به گونه‏اى باشد كه زمين‏هاى پايين دست نيز از آب‏ها و سيلابها بتوانند بهره برند.(88)

پي نوشت ها:

1) سوره نساء (4) آيه 54.

2) سوره نساء (4) آيه 59.

3) ر.ك: همنام با گل‏هاى محمدى، ص 95.

4) وسايل الشيعه، ج 12، ح 26، ص 23.

5) كافى، ج 3، ص 346 «ان الله - عز و جل - احب لانبيائه الاعمال الحرث.»

6) فرهنگ جهاد، شماره 3، ص 123، «...فقال: رسول الله و اميرالمؤمنين و آبائى كلهم كانوا قد عملوا بأيديهم و هو من عمل النبيين و الاوصياء و الصالحين.»

7) عن ابى عبدالله كان اميرالمؤمنين يضرب بالمر و يستخرج الأرضين و كان رسول الله يمص النوى بغيه و يغرسه فيطلع عن ساعته... .» همان، شماره 8، ص 251.

8) الفوائد المجموعة، ج 4، ص 341.

9) كافى، ج 6، ص 360.

10) همان، ج 6، ص 345.

11) فرهنگ جهاد، شماره 19، ص 185. ر.ك: لطافت، دل انگيزى و سودمندى‏هاى طبيعت.

12) همان.

13) لاتحرقوا النخل و لاتغرقوه بالماء و لاتقطعوا الشجرة و لاتحرقوا زرعا.» وسايل الشيعه، ج 11، ص 43 ؛ بحار الانوار، ج 19، ص 177.

14) جعل لى الأرض مسجدا و طهورا أينما كنت أتيمم من تربتها و اصلى عليها.» مستدرك‏الوسايل، ج 2، ص 529.

15) ر.ك: فصلنامه فرهنگ جهاد، شماره 7 و 8، سرتاسر اثر.

16) سوره انبياء (21) آيه 30.

17) سوره رحمن (55) آيات 6، 10، 13.

18) سوره ابراهيم (14) آيه 32 - 34 ؛ سوره عبس (80) آيات 25 - 32.

19) ر.ك: گياهان در قرآن ؛ گياهان و زندگى در انديشه دينى.

20) همنام با گلهاى بهارى، ص 98.

21) همان ؛ بحار الانوار، ج 79، ص 128.

22) كنزالعمال، ج 15، ص 953.

23) بحار الانوار، ج 70، ص 191.

24) وسائل الشيعة، ج 2، ص 882 و 884.

25) الشئوون الاقتصادية، علامه جعفر سبحانى، ص 57.

26) الحياة، ج 5، ص 432.

27) همان.

28) همان.

29) البركة فى فصل السعى و الحركة، ص 17، به نقل از همنام با گل‏هاى محمدى، ص 97.

30) سوره اعراف (7) آيه 29.

31) سوره شورى (42) آيه 15.

32) بحارالانوار، ج 29.

33) المراقبات، ص 160.

34) سوره هود (11) آيه 61.

35) ر.ك: 59 نكته درباره امام زمان - عليه السلام -، نكته 57، ص 188.

36) طبيعت و كشاورزى از ديدگاه اسلام، ص 92.

37) من لايحضره الفقيه، ج 1، ص 34.

38) همان.

39) طبيعت و كشاورزى از ديدگاه اسلام.

40) مستدرك الوسائل، ج 2، ص 529.

41) همان، ص 530.

42) همان، ص 528.

43) مرآة العقول، ج 19، ص 398.

44) عن ابى عبدالله - عليه السلام قال: نهى رسول الله عن بيع النطاف و الأربعاء. قال: و الأربعاء أن تسنى مسناة محتمل الماء و نسقى به الأرض ثم نستغنى عنه. قال: فلاتبعه و لكن أعره جارك. و النطاف: أن يكون له الشرب فيستغنى عنه. فيقول: لاتبعه: أعره اخاك او جارك.» كافى، ج 5، ص 277 ؛ تهذيب، ج 7، ص 140 ؛ مرآة العقول، ج 14، ص 366 ؛ وافى، ج 10، ص 1010.

45) عن ابى عبدالله - عليه السلام - قال: «قضى رسول الله فى سيل واد مهزور ان يحبس الاعلى على الأسفل للنخل الى الكعبين و للزرع الى الشراكين.» كافى، ج 1، ص 278 ؛ تهذيب، ج 7، ص 140 ؛ من لايحضره الفقيه، ج 3، ص 99 ؛ وافى، ج 10، ص 1011.

46) عن ابى عبدالله - عليه السلام - قال: و قضى رسول الله - صلى الله عليه و آله و سلم - بين اهل المدينة فى مشارب النخل أنه لايمنع نقع البئر و قضى - صلى الله عليه و آله - بين اهل البادية لايمنع فضل ماء ليمنع به فضل كلأ و قال لاضرر و لاضرار.» كافى، ج 5، ص 293 ؛ وسايل، ج 17، ص 333. باب 7 از ابواب احياء اموات ؛ ر.ك: وافى، ج 18، ص 10 و 15 ؛ مستدرك الوسايل، ج 13، ص 242 ؛ من لايحضره الفقيه، ج 3، ص 238تهذيب، ج 7، ص 45.

47) عن ابى عبدالله - عليه السلام - قال: «قال رسول الله - صلى الله عليه و آله و سلم - ...ملعون... المانع الماء المتناب.» كافى، ج 2، ص 292 ؛ وافى، ج 10، ص 1047.

48) ان المسلمين شركاء فى الثلث؛ الماء و النار و الكلأ.» السنن، ابن ماجه، ج 2، ص 2472.

49) عن ابى عبدالله - عليه السلام - قضى رسول الله - صلى الله عليه و آله و سلم - فى شرب النخل بالسيل ان الأعلى شرب قبل الاسفل و يترك فى الماء الى الكعبين ثم يسرح الماء الى الأسفل الذى يليه كذلك حتى تنقضى الحوايط و يغنى الماء...» كافى، ج 5، ص 278 ؛ مرآة العقول، ج 19، ص 369 ؛ وافى، ج 10، ص 1013.

50) ر.ك: الوافى، فيض‏كاشانى، اصفهان، مكتبةالامام‏اميرالمؤمنين، 1411، ج‏10، ص‏105 - 108.

51) ر.ك: الوافى، ج 10، ص 1055 - 1063.

52) ر.ك: همان، ص 1067 - 1072. رساله لاضرر امام خمينى با عنوان بدائع الضرر فى قاعدة نفى الضرر.

53) همان، ص 1052، باب قطع الشجر.

54) ر.ك: شرايع الاسلام ؛ تحرير الوسيله، كتاب البيع و كتاب البيع امام خمينى.

55) ر.ك: الوافى، ج 10، ص 1019 - 1044.

56) شرايع الاسلام، ص 391.

57) همان، ص 396.

58) ر.ك: الوافى، ج 10، ص 1072 - 1077. «باب من زرع فى غير أرضه أو غرس» و باب «من أخذ ارضا بغير حق.»

59) وسايل الشيعة، ج 17، احياء الموات.

60) انواع كتاب‏هاى فقهى و حديثى باب الخمس و الانفال.

61) ر.ك: الوافى، ج 10، ابواب احكام الارضين و المياه.

62) عن ابى عبدالله: «قال نهى رسول الله عن المحاقلة. فقال: المحاقلة، النخل بالتمر. و المزابنة السنبل بالحنطة. و النطاف: يشرب الماء ليس لك اذا استغنيت عنه أن تبيعه جارك، تدعه له. و الأربعاء، المسنأة تكون بين القوم فيستغنى عنها صاحبها. قال: يدعه لجاره و لايبيعها اياه.» تهذيب، ج 7، ص 143 ؛ وافى، ج 10، ص 1010.

63) عن ابى عبدالله - عليه السلام - قال: «يكون بين البئرين: اذا كانت ارضا صلبة خمسمأة ذراع و ان كانت الأرض رخوة فألف ذراع قال و قضى رسول الله - صلى الله عليه و آله - فى رجل احتفر قناة و أمى لذلك سنة، ثم ان رجلا حفر الى جانبها قناة، فقضى آن يقاس الماء بجوانب البئر ليلة هذه و ليلة هذه فان كانت الاخيرة أخذت ماة الاولى غورت الأخيرة و ان كانت الأولى اخذت ماء الأخيرة لم يكن لصاحب الأخيرة على الاول شى‏ء» الفقيه، ج 3، ص 102 ؛ تهذيب، ج 7، ص 145 ؛ كافى، ج 5، ص 296 ؛ وافى، ج 10، ص 1057.

64) عن ابى عبدالله - عليه السلام - قضى فى هذا النخل أن يكون النخلة و النخلتان للرجل فى حائط الآخر فيختلفون فى حقوق ذلك فقضى فيها أن لكل نخلة من اؤلئك من الأرض مبلغ جريدة من جرائدها حين بعدها.» كافى، ج 5، ص 295 ؛ تهذيب، ج 7، ص 144.

65) من لايحضره‏فقيه، ج 2، ص 101، قال رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - : «حريم النخل طول سعفها.»

66) ر.ك: وافى، ج 10، ص 106 - 107 ؛ «قضى - صلى الله عليه و آله - بين اهل المدينة فى مشاب النخل انه لايمنع نفع الشيئى و قال لاضرر و لاضرر.»

67) همان.

68) در برخى روايات «من أحيا مواتا فهو له.» كافى، ج 5، ص 279 ؛ تهذيب، ج 7، ص 152 ؛ وافى، ج 10، ص 982.

69) قال النبى - صلى الله عليه و آله و سلم «من غرس شجرا أو حفر واديا لم يسبقه اليه احد أو احيى أو ارضا متته فهى له؛ قضاءا من الله و رسوله - صلى الله عليه و آله و سلم -.» فقيه، ج 3، ص 240 ؛ تهذيب، ج 6، ص 378 ؛ وافى، ج 10، ص 984.

70) و قال الرسول يا ربّ انّ قومى اتخذوا هذا القرآن مهجوراً» سوره فرقان (25) آيه 30.

71) كافى، ج 5، ص 279، ح 5 ؛ تهذيب، ج 7، ص 152 ؛ وافى، ج 10، ص 982.

72) همان، ص 997 ؛ تهذيب، ج 7، ص 148 ؛ من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 239.

73) قالوا فأى المال أفضل؟ قال: الحرث و الغنم.» الممصنف، ج 11، ص 460.

74) عن السكونى: عن الصادق‏عليه السلام‏قال: سئل النبى‏صلى الله عليه وآله‏أى المال خير؟ قال: الزرع زرعه صاحبه و أصلحه و أدى حقه يوم حصاده... قال: فأى المال بعد الغنم خير؟ قال: الراسيات فى الوحل و المطعمات فى المحل. نعم الشى‏ء النخل من باعه فانما ثمنه بمنزله رمادا اشتدت به‏الريح فى يوم‏عاصف‏الا أن يخلف مكانها.» كافى، ج 5، ص 260-261؛ وسايل الشيعة، ج 13، ص 192.

75) خيرالمال سكة مأبورة و مهرة مأمورة.»

76) فانها خلقت من طينة آدم - عليه السلام - .» وسايل الشيعة، ج 17، ص 113.

77) بحار الانوار، ج 62، ص 296.

78) كافى، ج 6، ص 345.

79) كافى، ج 6، ص 345.

80) سوره جمعه (42) آيه 2.

81) قل هل يستوى الذين يعلمون و الذين لايعلمون»، سوره زمر (39) آيه 9.

82) هل يستوى الاعمى و البصير أفلا تتفكرون»، سوره رعد (13) آيه 19.

83) قل هل يستوى‏الاعمى‏والبصير ام هل تستوى الظلمات أو النور»، سوره رعد (13) آيه 16.

84) سوره احزاب(33)آيه 33 «يؤتى الحكمة من يشاء و من يوت الحكمة فقد اوتى خيرا كثيرا»

85) سوره رحمان (55) آيه 10 - 13.

86) مزارعه و مساقات از عقود اسلامى است و در فقه تعريف و احكام خاص به خود را دارد.

87) در اين باره در فقه اسلامى در ابواب غصب و...احكام مشروحى آمده است.

88) پيش از اين به روايات مرتبط به تقسيم آب اشاره شد.